

رابطه بین خلاقیت و هوش معنوی با سبک‌های مقابله با استرس در دانشجویان

آریا مومنی^۱، اعظم ابراهیمی^۲

۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات بوشهر، ایران

مجله پیشرفت های نوین در علوم رفتاری، دوره دوم، شماره هفتم، اردیبهشت ماه ۱۳۹۶، صفحات ۲۴-۳۹

چکیده

پژوهش حاضر به ارزیابی رابطه بین خلاقیت و هوش معنوی با سبک های مقابله با استرس در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران پرداخته است. نوع تحقیق همبستگی است. جامعه آماری پژوهش دانشجویان دانشگاه آزاد علوم و تحقیقات تهران به تعداد ۵۹۰ نفر بوده است، که تعداد ۲۳۲ نفر به روش تصادفی و با استفاده از جدول مورگان انتخاب شده اند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه های استاندارد خلاقیت عابدی (۱۳۷۲)، هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) و مقابله با شرایط پر استرس ... اندر و پارکر (۱۹۹۰) بوده است. جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون استفاده گردید. بررسی نتایج نشان داد که بین متغیرهای هوش معنوی و خلاقیت با سبک مساله مدار رابطه مثبت و دو سبک هیجان مدار و اجتناب مدار رابطه منفی و معنادار وجود دارد. برای متغیر خلاقیت با هوش معنوی و مولفه‌های آن رابطه مثبت و معنادار نشان داده شده است و بیشترین شدت رابطه را به ترتیب با مولفه تفکر وجودی انتقادی، گسترش حالت هوشیاری، آگاهی متعالی و ارائه مفهوم شخصی دارا بوده است. همچنین روابط بین مولفه‌های هوش معنوی و مولفه‌های خلاقیت با سبک مساله مدار رابطه مثبت و برای سبک‌های هیجان مدار و اجتناب مدار منفی و معنادار بوده است. نتیجه می‌گیریم هوش معنوی و خلاقیت به عنوان متغیرهای پیش بین برای انتخاب نوع سبک های مقابله ای نقش مهمی برای کنار آمدن با استرس های روزانه در زندگی دارند

کلید واژه‌ها: هوش، معنویت، هوش معنوی، خلاقیت، سبک‌های مقابله با استرس

مقدمه

استرس تجربه عمومی در زندگی همه انسان‌هاست (وارکارولیس، ۲۰۰۲). از این رو در سال‌های اخیر توجه به منابع استرس و سبک‌های مقابله با آن، بسیار مورد توجه قرار گرفته و نشان داده شده که به کار گرفتن سبک‌های مقابله ای مؤثر نقش مهمی در کاهش استرس دارد (فروزنده و دل آرام، ۲۰۰۳). سبک‌های مقابله ای تلاش مستمر به منظور سازگار شدن افراد با وضعیت نامتعادل است. در صورت استفاده از سبک‌های مقابله مؤثر، هیجانات تعدیل شده و استرس بر طرف می‌گردد (زوبیریا، ۲۰۰۷). سبک‌های مقابله ای مؤثر آثار منفی استرس را کاهش می‌دهند و توانایی مدیریت استرس‌ورهای محیطی و درونی با به کارگیری این رفتارها افزایش می‌یابد. در حالی که سبک‌های مقابله ای غیر مؤثر آثار منفی ناشی از استرس را افزایش می‌دهند. مقابله ای مؤثر منبع مهمی برای ایجاد احساس خوب بودن و سازگاری روانی در موقعیت‌های استرس آور است و سلامت فیزیکی و روانی افراد تأثیر دارد (دیربای و دیگران، ۲۰۰۵). توانایی خوب حل مسئله، داشتن تجربیات کافی، در دسترس بودن سیستم حمایتی مناسب، داشتن خواب و بهداشت فردی مناسب و برخورداری از سبک زندگی متعادل از عوامل مؤثر بر استفاده از سبک مقابله ای مؤثر هستند. افرادی که قادر به مقابله مؤثر نیستند، استرس‌های بیشتری تجربه می‌کنند و عدم سازگاری ایجاد شده باعث بروز اختلالات و مشکلات روانی می‌گردد (لین و دیگران، ۲۰۱۰). به دلیل نقش ویژگی‌های فردی در گرایش به سبک‌های مختلف کنار آمدن، در این پژوهش به دو ویژگی فردی هوش معنوی و خلاقیت به عنوان متغیرهای پیش بین توجه شده است. اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورتی روز افزون توجه روانشناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است. پیشرفت علم روان شناسی از یک سو و ماهیت پویا و پیچیده‌ی جوامع نوین از سوی دیگر، باعث شده است که نیازهای معنوی بشر در برابر خواسته‌ها و نیازهای مادی قد علم کنند و اهمیت بیشتری یابند. به طوری که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان به ابعاد جسمانی، روانی و معنوی اشاره می‌کند و بعد معنوی را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می‌سازد. معنویت به معنای نقش زندگی یا روشی برای بودن و تجربه کردن است که با آگاهی یافتن از یک بعد غیر مادی به وجود می‌آید و ارزش‌های قابل تشخیص، آن را معین می‌سازد و حسی والایی است که شور و شوق و گرایش انسان را برای عدالت خواهی و انصاف افزایش می‌دهد و هم نوایی و پیوستگی با خود و جهان آفرینش را پدید می‌آورد (تسی، ۲۰۰۳). معنویت یکی از نیازهای درونی است که برخی از صاحب نظران آن را متضمن بالاترین سطوح زمینه‌های رشد شناختی، اخلاقی، عاطفی، فردی، تلاش آدمی برای پاسخ دادن به چراهای زندگی می‌دانند. به عبارت واضح تر استفاده بهینه از قوه خلاقیت و کنجکاوی برای یافتن دلایل موجود مرتبط، با زنده ماندن و زندگی کردن و در نتیجه، رشد و تکامل، بخش مهمی از معنویت را تشکیل می‌دهد (وون، ۲۰۰۰).

- 1.....
- 2.....
- 3.....
- 4.....
- 5.....
- 6.....

روانشناسان برای تبیین توانایی افراد، عقل و استدلال و همچنین عواطف و هیجان‌ها از واژه‌هایی مانند هوش بهر، هوش هیجانی استفاده می‌کنند که در کنار این مفاهیم، واژه هوش معنوی در سال‌های اخیر توجه روان‌شناسان را به خود جلب کرده است. جاین و پورهیت (۲۰۰۶) هوش معنوی را توانایی تجربه شده ای می‌دانند که به افراد امکان دستیابی به دانش و فهم بیشتر را می‌دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می‌سازد (جاین و پورهیت^۱، ۲۰۰۶). از دیدگاه کینگ (۲۰۰۸) هوش معنوی دارای چهار مؤلفه تفکر، وجودی انتقادی، ارائه مفهوم شخصی، گسترش حالت هشیاری و آگاهی متعالی می‌باشد. هوش معنوی به ما اجازه می‌دهد که تا آنجایی که ممکن است موقعیت را تغییر و یا بهتر کرد. در واقع به ما اجازه می‌دهد که ما موقعیت را اداره کنیم (کینگ^۲، ۲۰۰۸). هوش معنوی خلاقیتی را به افراد می‌دهد که با آن می‌توانند قوانین را تغییر دهند و موقعیت را دگرگون کنند (میرجیلی و شفیع، ۱۳۹۱). مک نایت در تحقیقات تکمیلی خود نشان داد که رابطه مثبت بین معنویت با افزایش رضایت کارکنان، تلاش، مشارکت و همکاری، خلاقیت و عملکرد وجود دارد (مک نایت^۳، ۲۰۰۳).

خلاقیت متغیر پیش بین دیگری است که رابطه آن به همراه هوش معنوی، با متغیر ملاک سبک‌های کنار آمدن با استرس، مورد بررسی قرار گرفته است. گالاگرو و گالاگر (۱۹۹۴) خلاقیت را فرایندی ذهنی می‌داند بطوریکه یک فرد عقاید یا فرآورده‌های تازه ای خلق می‌کند و یا اینکه عقاید و فرآورده‌های موجود را در سبکی که برای خودش یا دیگری بدیع باشد، ترکیب می‌نماید. سیکزنتمی‌هالی و ولف (۲۰۰۰) خلاقیت را فکر یا فرآورده‌ی نوآورانه‌ی ارزشمند و دارای قابلیت اجرا دانسته اند. به طور کلی فرایندهای خلاقیت، غیر عقلانی نبوده بلکه فوق عقلانی اند که فعالیت‌های فکری ارادی و عاطفی را گرد هم آورده به تحرک و می‌دارد. تفکر خلاق، نمایش بالاترین درجه سلامت عاطفی بوده و عبارت از ابراز وجود افراد سالم در جریان خود بهسازی و تعامل خویش است (داوری، ۱۳۸۶). مک ویکار در تحقیقات تکمیلی خود نشان داد که رابطه مثبت بین معنویت با افزایش رضایت کارکنان، تلاش، مشارکت و همکاری، خلاقیت و عملکرد وجود دارد (مک ویکار^۴، ۲۰۰۳). با توجه به اینکه خلاقیت و هوش معنوی از جمله ویژگی‌های قابل آموزش و قابل ارتقا می‌باشند. برای افزایش سطح سلامت فردی و اجتماعی مهم خواهد بود که معنی داری رابطه‌ی آنها با سبک‌های مقابله با استرس مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین مهم ترین سؤالی که در این تحقیق مطرح می‌شود اینستکه: چه ارتباطی بین خلاقیت و هوش معنوی و سبک‌های مقابله با استرس در دانشجویان وجود دارد؟

1
2_...
3
4
.....

روش پژوهش

از نظر لحاظ نحوه گردآوری اطلاعات این پژوهش از نوع توصیفی^۱ است و از آن جایی که هدف از انجام این تحقیق بررسی رابطه خلاقیت و هوش معنوی و سبک‌های مقابله ای با استرس می‌باشد یک تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است (سرمد و دیگران، ۱۳۸۸). جامعه آماری این تحقیق کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران می‌باشد، تعداد دانشجویان مورد نظر ۵۹۰ نفر می‌باشند. در این تحقیق برای انتخاب حجم نمونه از جدول مورگان استفاده گردیده است و تعداد ۲۳۲ نفر به طور تصادفی به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه از آمار توصیفی و همچنین آمار استنباطی مورد استفاده قرار گرفته است. در بخش آمار توصیفی از فراوانی، درصد فراوانی برای توصیف نمونه کمک گرفته شده است و در بخش آمار استنباطی برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده گردید و همچنین برای بررسی فرضیه‌های پژوهش آزمون رگرسیون تک متغیره و رگرسیون چندگانه استفاده شده است.

ابزار

پرسشنامه هوش معنوی کینگ: این پرسشنامه که توسط کینگ ساخته شده است دارای ۲۴ آیت می‌باشد. این پرسشنامه براساس مقیاس ۵ گزینه ای لیکرت پر می‌شود. نمرات بالا نشان دهنده هوش معنوی بالا یا وجود چنین ظرفیتی است. با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی در یک نمونه ۶۱۹ نفری از دانشجویان ترنتو کانادا در سال ۲۰۰۷ آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و پایایی از طریق تصنیف ۰/۸۴ به دست آمد. در یک مطالعه دیگر با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و آلفای استاندارد شده نیز ۰/۹۲ به دست آمد. همچنین در مطالعه رقیبی و همکاران ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۹، همچنین اعتبار پرسش نامه هوش معنوی باز آزمایی به فاصله زمانی متوسط دو هفته ۰/۶۷ محاسبه شد (به نقل از معلمی و همکاران، ۱۳۸۹).

پرسشنامه مقابله با شرایط پر استرس CISS اندر و پارکر (۱۹۹۰): این مقیاس شامل ۴۸ گویه است و پاسخ هر گویه در اندازه‌های ۵ درجه ای از هرگز (۱) تا خیلی زیاد (۵) مشخص می‌شود. ۱۶ گویه اول مربوط به سبک مقابله ای مساله مدار، ۱۶ گویه دوم مربوط به سبک مقابله ای هیجان مدار و ۱۶ گویه آخر مربوط به سبک مقابله ای اجتناب مدار می‌باشد. بررسی نتایج تحقیقات انجام شده در ایران از جمله اکبر زاده (۱۳۷۶)، بهرامی (۱۳۷۶)، طباطبایی (۱۳۷۷) نشان می‌دهد که همسانی درونی مقیاس و همبستگی آن در رابطه با متغیرهای متفاوت نسبتاً بالا بوده که نشان دهنده پایایی و روایی بالای این آزمون است. ضریب پایایی محاسبه شده توسط عندلر و پارکر (۱۹۹۰) در سبک مساله مدار ۰/۹۰، در سبک هیجان مدار ۰/۸۵ و در سبک اجتنابی ۰/۸۲ می‌باشد. طباطبایی (۱۳۷۷) ضریب آلفای کرونباخ را برای روشهای مقابله مساله مدار و هیجان مدار به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۷۸ گزارش کرده است (به نقل از بهادری و خیر، ۱۳۹۱).

پرسشنامه ی خلاقیت عابدی: شامل ۶۰ سوال سه گزینه ای است و براساس آزمون خلاقیت تورنس و برای ارزیابی ۴ مولفه ی سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و بسط، تدوین شده است. اعتبار چهار زیر مقیاس از طریق بازآزمایی در دانش آموزان مدارس راهنمایی شهر تهران به ترتیب برابر با ۰/۸۵، ۰/۸۲، ۰/۸۴ و ۰/۸۰ به دست آمد. ضریب روایی آزمون از طریق همبستگی با آزمون خلاقیت تورنس (۱۹۷۶) محاسبه و برابر با ۰/۴۶ = بدست آمد (عابدی، ۱۳۷۲). خسروانی (۱۳۸۴) نیز روایی و اعتبار این آزمون را در دانشجویان دانشگاه تهران قابل قبول دانست. در این تحقیق همچنین برای اطمینان از روایی پرسشنامه های استاندارد تحقیق (هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸)، پرسشنامه مقابله با شرایط پر استرس ... اندر و پارکر (۱۹۹۰)، پرسشنامه خلاقیت عابدی، این پرسشنامه ها در اختیار اساتید راهنما و مشاور قرار گرفت که در نهایت با بررسی این افراد، روایی این پرسشنامه ها مورد تأیید قرار گرفت.

آلفای کرونباخ پرسشنامه های پژوهش

پرسشنامه	تعداد سؤالات	آلفای کرونباخ
هوش معنوی	۲۴	۰/۹۴۳
مقابله با شرایط پر استرس	۴۸	۰/۸۴۱
خلاقیت	۶۰	۰/۷۱۲

همانطور که در جدول فوق مشاهده می شود تمامی متغیرهای تحقیق مورد استفاده دارای ضریب آلفای کرونباخ بالاتر از ۰/۷ می باشند. لازم به ذکر است که میزان استاندارد این ضریب باید بین ۰/۷ تا ۱ باشد و هر چه این میزان به یک نزدیک تر باشد، نشان دهنده پایا بودن پرسشنامه های پژوهش می باشد.

یافته‌ها

آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرهای پژوهش

برای بررسی فرضیه‌های پژوهش، بررسی وضعیت نرمال بودن متغیرهای مورد نظر، لازم است. بنابراین در ابتدا این امر مورد بررسی قرار می‌گیرد.

جدول ۱. آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای نرمال بودن متغیرهای پژوهش

شاخص‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	Z کولموگروف-اسمیرنوف	P-value
هوش معنوی	۲۳۲	۳ / ۳۷	۰ / ۷۵	۲ / ۵۹۹	۰ / ۰۸۹
سبک مسأله مدار	۲۳۲	۳ / ۴۶	۰ / ۸۳۷	۳ / ۲۹۸	۰ / ۱۰۵
سبک هیجان مدار	۲۳۲	۳ / ۳۹	۰ / ۷۱۸	۲ / ۱۴۴	۰ / ۱۰۷
سبک اجتناب مدار	۲۳۲	۳ / ۴۲	۰ / ۶۲۲	۲ / ۴۶۸	۰ / ۰۹۶
خلاقیت	۲۳۲	۳ / ۱۸	۰ / ۶۹۲	۱ / ۷۴۱	۰ / ۰۸۸

با توجه به این که سطح معنی‌داری آزمون کولموگروف-اسمیرنوف در جدول فوق که برای تمامی متغیرهای فوق الذکر، بیشتر از ۰ / ۰۵ است، نتیجه می‌شود که توزیع تمامی متغیرهای فوق تفاوت معناداری با توزیع نرمال نداشته است. بنابراین نتیجه می‌گیریم که توزیع متغیرهای نرمال بوده است. لازم به ذکر است، که در این جدول صرفاً به میزان توجه می‌شود، اگر این مقدار بالاتر از ۰ / ۰۵ باشد، متغیر نرمال می‌باشد، و اگر پایین تر از ۰ / ۰۵ باشد، متغیر غیر نرمال (یا ناپارامتریک) می‌باشد.

برای بررسی سوال‌های تحقیق و با توجه به نرمال بودن متغیرها، از آزمون رگرسیون پرداخته می‌شود.

سوال اول: رابطه هوش معنوی با سه سبک مقابله ای چگونه است؟

جدول ۲. تحلیل رگرسیون هوش معنوی بر سبک‌های مقابله ای

R ²	Beta	p-value	F مقدار مشاهده شده	
۰ / ۱۵	۰ / ۳۸۷	۰ / ۰۰۰	۴۰ / ۶۰۴	رگرسیون هوش معنوی بر سبک مسأله مدار
۰ / ۳۲۵	-۰ / ۵۷	۰ / ۰۰۰	۱۱۰ / ۷۷۹	رگرسیون هوش معنوی بر سبک هیجان مدار
۰ / ۳۰۹	-۰ / ۵۵۶	۰ / ۰۰۰	۱۰۲ / ۷۰۴	رگرسیون هوش معنوی بر سبک اجتناب مدار

با توجه به اینکه میزان پایین تر از $0/05$ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل $0/387$ نشان می دهد که با افزایش هوش معنوی، سبک مسأله مدار نیز افزایش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که 15 درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک مسأله مدار) توسط متغیر مستقل (هوش معنوی) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از $0/05$ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل $0/057$ - نشان می دهد که با افزایش هوش معنوی، سبک هیجان مدار کاهش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که $32/5$ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک هیجان مدار) توسط متغیر مستقل (هوش معنوی) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از $0/05$ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل $0/056$ - نشان می دهد که با افزایش هوش معنوی، سبک اجتناب مدار کاهش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که $30/9$ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک اجتناب مدار) توسط متغیر مستقل (هوش معنوی) تبیین می شود. بنابراین مشاهده می شود که شدت ضریب بتا برای سه سبک مقابله با استرس و هوش معنوی، رابطه هوش معنوی با سبک مقابله ای هیجان مدار بیشترین شدت رابطه را دارا می باشند، سبک اجتناب مدار در رتبه دوم قرار داشته و در نهایت سبک مساله مدار در آخر قرار دارد.

سوال دوم: رابطه خلاقیت با سه سبک مقابله ای چگونه است؟

جدول ۳. تحلیل رگرسیون خلاقیت بر سبکهای مقابله ای

R ²	Beta	p-value	مقدار F مشاهده شده	
0/023	0/151	0/022	5/34	رگرسیون خلاقیت بر سبک مسأله مدار
0/098	-0/312	0/000	24/868	رگرسیون خلاقیت بر سبک هیجان مدار
0/076	-0/275	0/000	18/863	رگرسیون خلاقیت بر سبک اجتناب مدار

با توجه به اینکه میزان پایین تر از $0/05$ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل $0/151$ نشان می دهد که با افزایش خلاقیت، سبک مسأله مدار نیز افزایش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که $2/3$ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک مسأله مدار) توسط متغیر مستقل (خلاقیت) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از $0/05$ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل $0/312$ - نشان می دهد که با افزایش خلاقیت، سبک هیجان مدار کاهش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که $9/8$ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک هیجان مدار) توسط متغیر مستقل (خلاقیت) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از $0/05$ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب

بتا معادل 0.275 / 0 - نشان می‌دهد که با افزایش خلاقیت، سبک اجتناب مدار کاهش می‌یابد. یافته‌ها بیانگر آن است که $6/7$ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک اجتناب مدار) توسط متغیر مستقل (خلاقیت) تبیین می‌شود.

سوال سوم تحقیق: رابطه هر یک از زیر مقیاس‌های هوش معنوی با انواع سبک‌های مقابله ای چگونه است؟

سوال ۳-۱: آیا بین مؤلفه تفکر وجودی انتقادی با سبک‌های مقابله با استرس رابطه وجود دارد؟

جدول ۴: تحلیل رگرسیون تفکر وجودی انتقادی بر سبک‌های مقابله ای

R ²	Beta	p-value	مقدار F مشاهده شده	
0.171	0.414	0.000	47.493	رگرسیون تفکر وجودی انتقادی بر سبک مسأله مدار
0.184	-0.429	0.000	51.769	رگرسیون تفکر وجودی انتقادی بر سبک هیجان مدار
0.18	-0.424	0.000	50.482	رگرسیون تفکر وجودی انتقادی بر سبک اجتناب مدار

با توجه به اینکه میزان پایین‌تر از 0.05 می‌باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب بتا معادل 0.414 / 0 نشان می‌دهد که با افزایش تفکر وجودی انتقادی، سبک مسأله مدار نیز افزایش می‌یابد. یافته‌ها بیانگر آن است که $17/1$ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک مسأله مدار) توسط متغیر مستقل (تفکر وجودی انتقادی) تبیین می‌شود. با توجه به اینکه میزان پایین‌تر از 0.05 می‌باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب بتا معادل 0.429 / 0 - نشان می‌دهد که با افزایش تفکر وجودی انتقادی، سبک هیجان مدار کاهش می‌یابد. یافته‌ها بیانگر آن است که $18/4$ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک هیجان مدار) توسط متغیر مستقل (تفکر وجودی انتقادی) تبیین می‌شود. با توجه به اینکه میزان پایین‌تر از 0.05 / 0 می‌باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می‌گیرد. ضریب بتا معادل 0.424 / 0 - نشان می‌دهد که با افزایش تفکر وجودی انتقادی، سبک اجتناب مدار کاهش می‌یابد. یافته‌ها بیانگر آن است که 18 درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک اجتناب مدار) توسط متغیر مستقل (تفکر وجودی انتقادی) تبیین می‌شود.

فرضیه ۳-۲: بین مؤلفه ارائه مفهوم شخصی با سبکهای مقابله با استرس رابطه وجود دارد.

جدول ۵. تحلیل رگرسیون ارائه مفهوم شخصی بر سبکهای مقابله ای

R ²	Beta	p-value	مقدار F مشاهده شده	
۰ / ۰۸	۰ / ۲۸۲	۰ / ۰۰۰	۱۹ / ۹۱۸	رگرسیون ارائه مفهوم شخصی بر سبک مسأله مدار
۰ / ۴۸	-۰ / ۶۹۳	۰ / ۰۰۰	۲۱۲ / ۵۴۸	رگرسیون ارائه مفهوم شخصی بر سبک هیجان مدار
۰ / ۴۴۴	-۰ / ۶۶۶	۰ / ۰۰۰	۱۸۳ / ۵۴۶	رگرسیون ارائه مفهوم شخصی بر سبک اجتناب مدار

با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰ / ۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۰ / ۲۸۲ نشان می دهد که با افزایش ارائه مفهوم شخصی، سبک مسأله مدار نیز افزایش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۸ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک مسأله مدار) توسط متغیر مستقل (ارائه مفهوم شخصی) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰ / ۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل -۰ / ۶۹۳ نشان می دهد که با افزایش ارائه مفهوم شخصی، سبک هیجان مدار کاهش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۴۸ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک هیجان مدار) توسط متغیر مستقل (ارائه مفهوم شخصی) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰ / ۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل -۰ / ۶۶۶ نشان می دهد که با افزایش ارائه مفهوم شخصی، سبک هیجان مدار کاهش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۴۴ / ۴ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک هیجان مدار) توسط متغیر مستقل (ارائه مفهوم شخصی) تبیین می شود.

سوال ۳-۳: بین مؤلفه آگاهی متعالی با سبکهای مقابله با استرس رابطه وجود دارد.

جدول ۶. تحلیل رگرسیون آگاهی متعالی بر سبکهای مقابله ای

R ²	Beta	p-value	مقدار F مشاهده شده	
۰ / ۱۱۸	۰ / ۳۴۴	۰ / ۰۰۰	۳۰ / ۷۷۲	رگرسیون آگاهی متعالی بر سبک مسأله مدار
۰ / ۲۱۶	-۰ / ۴۶۴	۰ / ۰۰۰	۶۳ / ۲۲	رگرسیون آگاهی متعالی بر سبک هیجان مدار
۰ / ۲۱۲	-۰ / ۴۶۱	۰ / ۰۰۰	۶۱ / ۹۶۴	رگرسیون آگاهی متعالی بر سبک اجتناب مدار

با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰ / ۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۳۴۴ / ۰ نشان می دهد که با افزایش آگاهی متعالی، سبک مسأله مدار نیز افزایش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۱۱ / ۸ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک مسأله مدار) توسط متغیر مستقل (آگاهی متعالی) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰ / ۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۴۶۴ / -۰ نشان می دهد که با افزایش آگاهی متعالی، سبک هیجان مدار کاهش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۲۱ / ۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک هیجان مدار) توسط متغیر مستقل (آگاهی متعالی) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰ / ۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۴۶۱ / -۰ نشان می دهد که با افزایش آگاهی متعالی، سبک اجتناب مدار کاهش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۲۱ / ۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک اجتناب مدار) توسط متغیر مستقل (آگاهی متعالی) تبیین می شود.

سوال ۳-۴: بین مؤلفه گسترش حالت هوشیاری با سبکهای مقابله با استرس رابطه وجود دارد

جدول ۷. تحلیل رگرسیون گسترش حالت هوشیاری بر سبکهای مقابله ای

R ²	Beta	p-value	مقدار F مشاهده شده	
۰ / ۱۵۶	۰ / ۳۹۵	۰ / ۰۰۰	۴۲ / ۶۲۸	رگرسیون گسترش حالت هوشیاری بر سبک مسأله مدار
۰ / ۳	-۰ / ۵۴۸	۰ / ۰۰۰	۹۸ / ۷۵	رگرسیون گسترش حالت هوشیاری بر سبک هیجان مدار
۰ / ۲۷	-۰ / ۵۱۹	۰ / ۰۰۰	۸۴ / ۹۲۶	رگرسیون گسترش حالت هوشیاری بر سبک اجتناب مدار

با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰/۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۰/۳۹۵ نشان می دهد که با افزایش گسترش حالت هوشیاری، سبک مسأله مدار نیز افزایش می یابد. یافته‌ها بیانگر آن است که ۱۵ / ۶ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک مسأله مدار) توسط متغیر مستقل (گسترش حالت هوشیاری) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰/۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل -۰ / ۵۴۸ - نشان می دهد که با افزایش گسترش حالت هوشیاری، سبک هیجان مدار کاهش می یابد. یافته‌ها بیانگر آن است که ۳۰ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک هیجان مدار) توسط متغیر مستقل (گسترش حالت هوشیاری) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰/۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل -۰ / ۵۱۹ - نشان می دهد که با افزایش گسترش حالت هوشیاری، سبک اجتناب مدار نیز افزایش می یابد. یافته‌ها بیانگر آن است که ۲۷ درصد از واریانس متغیر وابسته (سبک اجتناب مدار) توسط متغیر مستقل (گسترش حالت هوشیاری) تبیین می شود.

سوال چهارم: رابطه خلاقیت با هوش معنوی چگونه است؟

برای بررسی این فرض از آزمون رگرسیون تک متغیره استفاده شده است، که نتایج آن در ادامه بیان گردیده است:

جدول ۸. تحلیل رگرسیون خلاقیت بر هوش معنوی

R ²	Beta	p-value	مقدار F مشاهده شده	
۰ / ۱۳۳	۰ / ۳۶۵	۰ / ۰۰۰	۳۵ / ۴۳	رگرسیون خلاقیت بر هوش معنوی

با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰/۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۰ / ۳۶۵ نشان می دهد که با افزایش خلاقیت، هوش معنوی نیز افزایش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۱۳ / ۳ درصد از واریانس متغیر وابسته (هوش معنوی) توسط متغیر مستقل (خلاقیت) تبیین می شود.

سوال پنجم: رابطه خلاقیت با هر یک از مقیاس های هوش معنوی چگونه است؟

جدول ۹. تحلیل رگرسیون خلاقیت بر مولفه های هوش معنوی

R ²	Beta	p-value	مقدار F مشاهده شده	
۰ / ۱۸۲	۰ / ۴۲۷	۰ / ۰۰۰	۵۱ / ۲۴	رگرسیون خلاقیت بر تفکر وجودی انتقادی
۰ / ۰۵۷	۰ / ۲۴	۰ / ۰۰۰	۱۴ / ۰۱۸	رگرسیون خلاقیت بر ارائه مفهوم شخصی
۰ / ۰۸۹	۰ / ۲۹۸	۰ / ۰۰۰	۲۲ / ۴۹۲	رگرسیون خلاقیت بر آگاهی متعالی
۰ / ۱۵۵	۰ / ۳۹۴	۰ / ۰۰۰	۴۲ / ۳۰۹	رگرسیون خلاقیت بر گسترش حالت هوشیاری

با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰ / ۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۰/۴۲۷ نشان می دهد که با افزایش خلاقیت، تفکر وجودی انتقادی نیز افزایش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۱۸/۲ درصد از واریانس متغیر وابسته (تفکر وجودی انتقادی) توسط متغیر مستقل (خلاقیت) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰/۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۰/۲۴ نشان می دهد که با افزایش خلاقیت، ارائه مفهوم شخصی نیز افزایش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۵/۷ درصد از واریانس متغیر وابسته (ارائه مفهوم شخصی) توسط متغیر مستقل (خلاقیت) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰ / ۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۰/۲۹۸ نشان می دهد که با افزایش خلاقیت، آگاهی متعالی نیز افزایش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۸ / ۹ درصد از واریانس متغیر وابسته (گاهی متعالی) توسط متغیر مستقل (خلاقیت) تبیین می شود. با توجه به اینکه میزان پایین تر از ۰ / ۰۵ می باشد، لذا رابطه بین دو متغیر مورد تایید قرار می گیرد. ضریب بتا معادل ۰/ ۳۹۴ نشان می دهد که با افزایش خلاقیت، گسترش حالت هوشیاری نیز افزایش می یابد. یافته ها بیانگر آن است که ۱۵ / ۵ درصد از واریانس متغیر وابسته (گسترش حالت هوشیاری) توسط متغیر مستقل (خلاقیت) تبیین می شود.

بحث و نتیجه گیری

نتیجه به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها نمایانگر وجود رابطه بین هوش معنوی و سبک‌های کنار آمدن با استرس می‌باشد. در بین سبک‌های مساله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار بیشترین مقدار بتا را به ترتیب $0/387$ ، $0/07$ و $0/056$ - سبک‌های مساله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار دارا بوده اند. نتیجه به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها نمایانگر وجود رابطه بین خلاقیت و سبک‌های کنار آمدن با استرس می‌باشد. در بین سبک‌های مساله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار بیشترین مقدار بتا را به ترتیب $0/151$ ، $0/312$ و $0/275$ - برای سبک‌های هیجان مدار، اجتناب مدار و مساله مدار دارا بوده اند.

سلطانی عمر و آبادی و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیقی تحت عنوان رابطه بین خلاقیت و شیوه‌های مقابله با استرس در دانش آموزان دختر و پسر دوره متوسطه شهر اصفهان نشان دادند که بین خلاقیت و سبک‌های مقابله ای رابطه معناداری وجود ندارد. این در حالی است که در تحقیق کارسون (۱۹۹۳) چنین رابطه ای مورد تایید قرار گرفته است و آلاه (۱۹۹۵) در تحقیقات خود به این نتیجه رسید که نوجوانان فرهنگ‌های مختلف در مقابله با استرس از شیوه‌های متفاوتی استفاده می‌کنند. او معتقد است انتخاب هر یک از شیوه‌های مقابله در دوران نوجوانی تحت تأثیر ویژگیهای فرهنگی... اجتماعی خاصی می‌باشد. وجود تفاوت‌های سنی در نمونه‌های مورد بررسی، یکی دیگر از عوامل تفاوت در نتایج است... در پژوهش‌های کارسون افراد مورد بررسی کودکان ۸ تا ۱۲ ساله بودند... می‌توان این‌گونه فرض کرد آنها در گروه سنی قرار داشتند که موانع مختلف بیولوژیکی، روانی، اجتماعی و آموزشی در این سنین خلاقیت را چندان تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. نتایج این فرض با پژوهش عمر و آبادی و دیگران (۱۳۸۶) همراستا نبوده ولی با سایر پژوهش‌های بررسی شده همراستا بوده است.

نتیجه به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها نمایانگر وجود رابطه بین مؤلفه تفکر وجودی انتقادی و سبک‌های مساله مدار و اجتناب مدار می‌باشد. در بین سبک‌های مساله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار بیشترین مقدار بتا را $0/424$ ، $0/429$ و $0/424$ - دارا بوده‌اند. نتیجه به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها نمایانگر وجود رابطه بین مؤلفه ارائه مفهوم شخصی و سبک‌های مساله مدار و هیجان مدار می‌باشد. در بین سبک‌های مساله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار به ترتیب مقدار بتا $0/693$ ، $0/666$ و $0/666$ - دارا بوده اند. در پژوهش احمدی (۱۳۸۹) رابطه بین ارائه مفهوم شخصی و خلاقیت کارکنان معنادار بوده است و می‌توان چنین نتیجه گرفت که به صورت غیر مستقیم با نتایج این فرض همراستا می‌باشد. نتیجه به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها نمایانگر وجود رابطه بین مؤلفه آگاهی متعالی و سبک‌های مساله مدار و هیجان مدار می‌باشد. در بین سبک‌های مساله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار مقدار بتا به ترتیب $0/344$ ، $0/464$ و $0/461$ - را دارا بوده اند. در پژوهش احمدی رابطه بین آگاهی متعالی و خلاقیت با ضریب بتای $0/502$ تایید شده است، بنابراین به صورت غیر مستقیم نتیجه این فرض ای پژوهش احمدی همراستا می‌باشد. نتیجه به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها نمایانگر وجود رابطه بین مؤلفه گسترش حالت هوشیاری و سبک مساله مدار می‌باشد. در بین سبک‌های مساله مدار، هیجان مدار و اجتناب مدار به ترتیب مقدار بتا $0/395$ ، $0/548$ و $0/519$ - را دارا بوده اند.

با توجه به نتایج بدست آمده مشخص شد که خلاقیت دارای رابطه معناداری با هوش معنوی می‌باشد. احمدی (۱۳۸۹) در تحقیق خود میزان شدت رابطه بین هوش معنوی و خلاقیت را ۵۸۳ / ۰ و مثبت بدست آورده است. در حالی که در این پژوهش میزان بتا ۳۶۵ / ۰ بدست آمده است. نتایج این فرض، با پژوهش احمدی همراستا می‌باشد. نتایج آزمون رگرسیون برای متغیر خلاقیت و مولفه‌های هوش معنوی نشان دهنده وجود رابطه معنادار می‌باشد. میزان بتا برای مولفه‌های تفکر وجودی انتقادی، ارائه مفهوم شخصی، آگاهی متعالی و گسترش حالت هوشیاری به ترتیب ۴۲۷ / ۰، ۲۴ / ۰، ۲۹۸ / ۰ و ۳۹۴ / ۰ بوده است. بیشترین بتا برای مولفه تفکر وجودی انتقادی بوده است. احمدی (۱۳۸۹) در تحقیق خود نشان داد که میزان شدت رابطه مولفه‌های هوش معنوی و خلاقیت به ترتیب ۴۴ / ۰، ۵۷۴ / ۰، ۵۰۲ / ۰ و ۴۷۶ / ۰ برای مولفه‌های تفکر وجودی انتقادی، ارائه مفهوم شخصی، آگاهی متعالی و گسترش حالت هوشیاری بوده است. می‌توان نتایج این فرض را همراستا با تحقیق احمدی (۱۳۸۹) همراستا دانست. در کل نتایج این پژوهش نشان داد که بین متغیر هوش معنوی، خلاقیت، مولفه‌های هوش معنوی و مولفه‌های خلاقیت با سبک مساله مدار رابطه مثبت و با سبک‌های هیجان مدار و اجتناب مدار رابطه منفی و معنادار داشته اند. با توجه به اهمیت سبک مقابله با استرس مساله مدار و مطلوبیت این سبک مقابله ای باید نسبت به افزایش متغیرهای خلاقیت و هوش معنوی تمرکز شود. همچنین رابطه بین خلاقیت با هوش معنوی و مولفه‌های هوش معنوی مثبت و معنادار بوده است. بنابراین به نوعی هم افزایی مشاهده می‌شود. بدین صورت که با افزایش خلاقیت، هوش معنوی و مولفه‌های آن افزایش خواهند یافت، که در ادامه افزایش سبک مساله مدار و کاهش سبک‌های هیجان مدار و اجتناب مدار را در پی خواهد داشت با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود دوره‌های آشنایی و توسعه هوش معنوی و خلاقیت در دانشگاه برگزار شود و تأثیر آن بر سبک‌های مقابله با استرس بررسی شود.

References

-
-
-
-
-
-
-
-

